



علت نرسیدن غالب مردم به مراد و مقصودشان این است که آنها را دقیقا و به طور جامع تعریف و مشخص نمی کنند و باور کردنی به حسابشان نمی آورند. هیچ چیز آنان را به شدت جذب نمی کند.

حتی افرادی که به دقت خواسته هایشان را تعیین می کنند، این آمادگی را در خود سراغ ندارند که تلاشها و کوششهای کسب ثروت و شوکت را به جان و دل بخرند و قیمتش را بپردازند. به طور خلاصه : ببینید بیش از هر چیز در تمنای کسب چه هستید و آنگاه بهای دستیابی به این خواسته را بپردازید.

به مجرد این که در آتش شوق دستیابی به هدفی بسوزید بر ذهن خویش چیره خواهید شد، زیرا خواسته ای که از عمق وجودتان برمیخیزد بر نیرویی که شما را به سستی و تنبلی و بهره برداری از زحمت دیگران وسوسه می کند غالب می شود. بدون هدف، به کشتی بی سکانی می مانید که گرد خود می گردید و به هیچ کجا نمی رسید و یا راننده اتومبیلی هستید که فاقد فرمان است و می تواند شما را به هر سو هدایت کند اما هدف رو به آینده ، شما را به پیش می راند و همه جنبه های زندگیتان را دگرگون می سازد.



ناگزیر هستید که در تمام طول عمر، مزایای قدرت روحی و روانی خود را

در اختیار افرادی گذارید که از **اهداف قاطع** بهره مندند. در حقیقت سستی و کاهلی
بازندگان مانع از آن می شود که برای هدف جویی وقت بگذارند و برایش
برنامه ریزی کنند.

مهم ترین طرح زندگی شما

افراد برگزیده و پیشرو در هر رشته ای ، از وضعیت مالی خود در آینده آگاهی
دارند آیا حرفه کنونی خود را از دل و جان دوست دارید و همه تلاشها و
مساعی خود را جانانه مصرف آن می دارید ؟ آیا قصد دارید که در تمام
طول عمر به کار کنونی خویش قناعت کنید؟ اگر پاسخ منفی است، حرفه
دلخواه شما چیست ؟ مادام که نیت یا قصدی کاملا محکم و نیرومند داشته
باشید و به روشنی آن را توصیف کنید، می توانید هر چیز را که در قوه صورتان
می گنجد بخواهید و بطلبید و انجام دهید.

هرگاه به پیروی از آتش عشق درون چیزی را به شدت بطلبید و آماده باشید
در راه آن تلاش کنید و قیمتش را پردازید، تقریباً می توانید به تمام آمال و
آرزوهای خویش دست یابید.



هشت مرحله عملی به سوی هدف

۱- برای تعیین اهداف ، بایستی در مکانی آرام و بی دغدغه بنشینید و ببینید

که به راستی از زندگی چه می خواهید.

توانایی شما در تعیین هدف و برنامه ریزی برای تحقق آن، ابزار اصلی کسب

موفقیت به شمار می آید. از سوی دیگر تقویت این فن ، مانند تقویت هر مهارتی

دیگر، مستلزم جدیت و تلاش مستمر است.

۲- اهدافتان را با ارزشهای عمده زندگیتان هماهنگ کنید. از این رو نخست

دقت خود را معطوف به ایده آل و ارزشهای خود کنید و آنگاه اهدافی را برگزینید که

با این معیارها سازگار و هماهنگ باشد.

ارزشهای عمده شما کدامند ؟ چه چیزهایی از بیشترین اهمیت در

زندگیتان برخوردارند؟ برای دستیابی به چه چیزهایی زندگی می کنید،

پیکار می کنید و از تمام تلاش و توان خود مایه می گذارند؟ مهم ترین

ارکان زندگی شما چیست ؟ آیا فعالیت ها و اهداف شما با ارزشهایتان سازگار است ؟

آیا حرفه کنونی شما از معیارهایتان پیروی می کند؟ آیا این حرفه استعدادهای نهفته



راه برملا کرده و بیشترین رضایت و خرسندی را در وجودتان پدید می آورد
یا این که با استانداردهای زندگیتان در تعارض و تقابل است و اجازه نمی دهد که
نیروهای نهفته در اعماق وجودتان در جهت تبلور اهدافتان به کار رود ؟
من در جوانی کارهای متفاوتی را آزمودم اما هیچ یک نتوانست میل و اشتیاقم را
برانگیزد و محرک و انگیزشی برای پیشرفت من باشد. گاه فضای کسالت بار محیط
کار به اندازه ای نومیدم می کرد که نمی توانستم ببینم که چه کاری را باید انجام
دهم. همواره یک خلاء درونی احساس می کردم؛ **خلایی که تنها عشق**
می توانست پر کند. اطرافیانم مشاغل مرا ارزشمند می شمردند و بی علاقگی ام
را نکوهش می کردند. سالها بعد که به اصول ذهن و روح آشنا شدم، به علت این
اختلاف سلیقه و دوگانگی فکر پی بردم؛ دانستم که تمام این کارها با ارزشهای من
ناهماهنگ بود و با معیارهای آنان سازگار؛ در حقیقت آنان از پشت عینک خود به
کارهای من می نگریستند و هر چیز را بر حسب معیارهای خویش می سنجیدند و
برآورد می کردند. بعلاوه از درک این نکته عاجز بودند که ثروت و تمکن تنها با
پیروی از هدف و برنامه های روشن که با میل و عطش سوزان آمیخته باشد حاصل
می شود.



هرگاه اهدافتان از میل و آرزوی جانکاه شما تغذیه کند، بدون توجه به

خستگی جسمانی و یا بی خوابی، خود را چست و چابک حس می کنید. این اهداف

موجب می شود که صبحها زودتر برخیزید، شبها دیرتر به رختخواب بروید و با الهام

از آن، از تمام قوا و هر چه در قلمروی نفوذ شماست بهره برداری کنید. چنانچه

گفتم هرگاه به شغلی سرگرمید که میل و اشتیاقاتان را بر نمی انگیزد،

رضایت خاطرتان را فراهم نمی کند، و تمایلات روحیتان را اقناع

نمی سازد، بهتر است هر چه سریعتر از شر این گرداب سکون و عدم

تحرک خلاص شوید. به هر حال اشتغال به کاری که پشتیبانش میل و

آرزوی جانکاه باشد و از ارزشهای عمده شما پیروی کند، نزدیکترین راه

به سوی کامیابی محسوب می شود.